

درباره طنز و فکاهی



جلال نورانی طنزنویس توانای معاصر افغانستان

مدت کوتاهیست که طنز و طنز نویسی در کشور ما طرف توجه قرار گرفته است. عده بی از جوانان ما علاقه مند شده اند که طنز نویس شوند. مردم به خواندن مطالب طنز آمیز علاقه نشان میدهند.

درک سلیم رهبری جامعه ما از نیروی تصحیح کننده طنز مجال و زمینه اینرا فراهم کرده است که در صفحات روزنامه ها و مجلات میهن ما نوشته ها و ترجمه های از آثار طنز آمیز جسته جسته پدید آید. باید گفت که طنز مدرن و یا طنز در ژانر های ژورنالیستیک آن نه تنها در کشور ما حتی در اکثر کشورها پدیده جدید تلقی می شود. بنا بر آن عدم آشنایی دقیق فرهنگیان ما با طنز امریست طبیعی و عادی. ما بارها به این سوال مواجه شده ایم که فرق میان طنز و فکاهی چیست. این دو کلمه که به زبانهای بین المللی با کلمات ((ساتیر و هومور)) افاده می گردند بعضاً با هم مغالطه می شوند برخی حتی کمیدی، هجو، فکاهی، طنز و خوشمزه گی ها، حاضر جوابی و اشعار فکاهی را یکی دانسته از تفاوت های آنها با همدیگر آگاه نیستند. عده بی هم هستند که تمام این مفاهیم را ناآگاهانه و بیرحمانه زیر یک عنوان جمع می کنند و آنرا ((بیهوده گی)) و ازین هم ظالمانه تر ((مسخره گی)) می خوانند. باید گفت که طنز یا این رشته ادبی و شیوه ادبی و یا نوع ادبی ازینوع قضاوت ها هرگز آسیب نمی بیند، چنین اشخاص خود به پرسناژ و یا موضوعی برای طنز در میابند.

ایجاد ژانرهای متفاوت و گونه گون در خود طنز، ارزش طنز را بدان حد رسانیده است که اکنون دیگر به آن به مثابه ((نوع ادبی)) نگاه می کنند نه ژانر. در اول گفتم که طنز نوین یا مدرن پدیده جدید است، اما این بدان معنی نیست که طنز و فکاهی در گذشته وجود نداشته است. انسانها از ابتدای پیدایش خود به روی زمین با خنده آشنا بودند.

همچنان درباره نقش و اهمیت طنز، جای طنز در ادبیات ژانرهای ژورنالیستیک طنز، درباره نشریه های طنز و طنزنویسان پرآوازه جهان و سایر مسایل مربوط به طنز و فکاهی و کارتون بحث خواهیم نمود. جوانان علاقمند به طنز و طنزنویسی با آشنایی با این مسایل و همچنان مطالعه نمونه های طنز جهانی در صورتیکه دارای قریحه و استعدادی درین رشته باشند میتوانند برای آینده مطبوعات ما طنزنویسان شایسته یی گردند.

باید گفت که طنز نویسی یکی از مشکل ترین رشته های ادبی است. دوبروین با اشاره به این مطلب نوشته است: ((طنزنویسی مشکل است. طنز را همه دوست دارند، جز آنانیکه نیش طنز متوجه شان است. طنز باید روی مسایل روز باشد، بر گذشته گان خندیدن فرزانه گی نیست. طنز باید دلچسپ و گیرا باشد در غیر آن نمی توان آنرا طنز گفت، طنز غیرجالب و خالی از نکته سنجی و مفهوم عالی نق زدن ابلهانه است. طنز باید ظریفانه باشد. در غیر آن به عوض اصلاح، غیظ و خشم را بر می انگیزد.)) بسیاری از طنزنویسان به نام و ادبیات شناسان مشهور جهان با دوبروین هم عقیده هستند. هر نویسنده یی نمی تواند طنزنویس شود. کمتر کسانی هستند که درین رشته به موفقیت دست می یابند. حتی می گویند طنزنویس از مادر طنزنویس بدنیا می آید. دوبروین معتقد است که طنزنویس باید دید تیز، گوش شنوا، دست قوی و ظرافت بالاتر از حد متوسط داشته باشد. طنز نویس برخلاف آنچه که بعضاً می گویند که در همه چیز فقط نقص ها، عیب ها و بدی ها را میبیند، دنبال خوبی و زیبایی و کمال است، منتهی طنز نویس هنگام جستجو و رسیدن به کمال، خوبی و زیبایی نمی تواند از کنار بدی و نادرستی به بی تفاوتی بگذرد. طنزنویس آدم بدبینی نیست که از روی بد نیتی کسی و یا چیزی را بباد انتقاد بگیرد. خوش بینی و انساندوستی خصلتی است که در طنزنویس بالاتر از دیگران باید وجود داشته باشد.

جلال نورانی